

آفرینش و جایگاه زن در قرآن و عهدین

لیلا نور لیلا^۱

چکیده

زن، نیمی از پیکره اجتماع است که با داشتن مقام انسانی، با مرد هم‌تا و هم‌سو بوده و می‌تواند به مقام خلیفه الهی برسد. زن، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد، بقا و گسترش نسل انسانی داشته و همواره در طول تاریخ، حضور فعال و مؤثر خود را اثبات کرده است. برای همین، شخصیت انسانی او و نقش چشمگیرش در خانواده و اجتماع و نیز دیدگاه دین اسلام به ویژه قرآن کریم نسبت به او همیشه مورد توجه دانشمندان اسلامی بوده و همواره ابعاد هویتی او را جست‌وجو کرده است. این مقاله، آفرینش و جایگاه زن در قرآن و عهدین و تفاوت این دو را بررسی کرده است. در گزارش قرآنی، زن عامل بدبختی یا بیرون رفتن انسان از بهشت نیست. برخلاف باورهای یهودی و مسیحی که زن را عامل بدبختی و گناه نخست آدم می‌دانند، در قرآن، زن و مرد هر دو به یک اندازه در تحقق گناه دست داشته و مرتکب آن شده‌اند. با توجه به هدف خلقت انسان که عبودیت خداست، بین زن و مرد تفاوتی نیست؛ زیرا هر دو انسان بوده و هر دو روح و فطرت الهی دارند. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی جمع‌آوری شده و مواردی مانند وجه تسمیه آدم و حوا، چگونگی آفرینش زن، فلسفه آفرینش زن و مقام و جایگاه زن در قرآن و عهدین را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: آفرینش زن، جایگاه زن، حوا و آدم، قرآن، عهدین.

۱. مقدمه

هدف اصلی تمام انسان‌ها، عبودیت و بندگی خداست. علم و دانش و امتحان و آزمایش، اهدافی هستند که در مسیر عبودیت قرار می‌گیرند و رحمت و واسعه خداوند نتیجه این عبودیت است، پس هدف، عبادتی است که نتیجه آن تکامل انسان است. در واقع عبودیت، اوج تکامل یک انسان است؛ زیرا آخرین درجه خضوع در برابر معبود است و کسی در برابر معبود تعظیم و خضوع می‌کند که به او نزدیک باشد. پس کسی که در برابر معبود قرار می‌گیرد، به او نزدیک است. بنابراین، عبودیت آن است که انسان جز به معبود واقعی، یعنی کمال مطلق نیندیشد، جز در راه او گام بر

ندارد و هر چه غیر اوست، فراموش کند، در تمام زمینه‌ها مطیع او بوده و در برابر ذات پاک، نهایت تسلیم را داشته باشد. این، هدف نهایی آفرینش انسان است که خدا برای وصول به آن میدان آزمایشی فراهم کرده و به او علم و آگاهی عنایت کرده تا در اقیانوس رحمت او غرق شود. انسانی که برای این هدف والا آفریده شد، باید با اختیار و اراده خویش به سوی آن هدف گام بردارد. برای رسیدن به این هدف، راه دشوار در برابر انسان قرار گرفت. برای همین، ابلیس حضرت آدم و حوا را فریفت و هر دو مرتکب گناه شدند.

۲. وجه تسمیه آدم و حوا

۱-۲. وجه تسمیه آدم و حوا در عهدین

۱-۱-۲. حضرت آدم

در زبان عبری، آدم به معنای خاک و زمین است؛ زیرا از خاک آفریده شده و جان یافته است. همچنین در زبان عبری، آداما به معنای گرد و خاک یا زمین قابل زراعت است که نام آدم از آن مشتق شده است. (هاکس، بی‌تا، ذیل واژه آدم)

۲-۱-۲. حضرت حوا

حضرت حوا، نخستین زن همسر حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام و مادر نسل بشر است. نام حوا در عهد عتیق به عبری به صورت حواه آمده است. (خین کارسن، بی‌تا) می‌توان گفت که واژه حوا، نخست متضمن معنای حیات و سپس منبع حیات، یعنی مادر است.

۲-۲. وجه تسمیه آدم و حوا در قرآن

۱-۲-۲. حضرت آدم

در کتاب لغت، آدم به صورت ابوالبشر یا پدر بشر آمده است؛ زیرا جسدش از ادیم الارض خلق شده و سیاه رنگ است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۷۰) در قرآن آمده است: «من نطفة أمشاج نبتلیه» (انسان: ۲).

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

خداوند آدم را از مشتی خاک آفرید، پس فرزندان آدم، متناسب با خاک زمین آفریده شدند. برخی از آنها سرخ پوست شدند. برخی سفید و برخی سیاه و برخی خط وسط میان این رنگ‌ها. برخی نرم و برخی خشن و برخی پاک و برخی ناپاک و برخی حد وسط میان اینها. (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۵۷)

۲-۲-۲. حضرت حوا

در منابع واژه‌شناسی زبان عربی نیز درباره اشتقاق واژه حوا اختلاف وجود دارد که ذیل دوریشه از حو و مؤنث احوی به معنای سیاه شبیه به سبزی یا قرمز مایل به سیاه و حوی، با دو دلالت زندگی و مار به معنای مارگیر به آن اشاره کرده‌اند.

حوا از دیدگاه زبان‌شناسان، اسم خاص است و در معنای آن، بدون بیان هیچ وجه و ارتباط لغوی، تنها عبارت زوج آدم را آورده‌اند. (عبدالکریم عقیلی، ۱۳۹۴، ص ۵۵) در قرآن کریم واژه حوا ذکر نشده و ذیل آیات مربوط به حضرت آدم علیه السلام از حوا با عنوان همسر آدم یا زوجک یاد شده است. (بقره: ۳۵؛ اعراف: ۱۹؛ طه: ۱۱۷) البته در احادیث و کتاب‌های تاریخی و تفسیری، همسر آدم، حوا نامیده شده و گفته می‌شود که این نام‌گذاری به این دلیل است که حوا، مادر همه زندگان است و از حی، یعنی موجود زنده یا آدم خلق شده است.

۳. چگونگی آفرینش زن

۱-۳. آفرینش زن در عهدین

۱-۱-۳. آفرینش زن در عهد عتیق

بر اساس آیات عهد عتیق، خلقت زن، فرع است. در عهد عتیق، دو روایت، یکی به صورت کلی و دیگری به صورت مفصل از خلقت زن سخن گفته است. در روایت کلی آمده است که خدا فرمود:

انسان را شبیه خود بسازیم تا بر حیوانات زمین و ماهیان، دریا و پرندگان آسمان فرمانروایی کند، پس خدا انسان را شبیه خود آفرید. او، انسان را زن و مرد خلق کرد و ایشان را برکت داده و فرمود بارور و زیاد شوید، زمین را پر کنید، بر آن تسلط یابید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید. (خین کارسن، بی تا، ص ۲۶-۲۸)

در روایت مفصل آمده است:

خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید، سپس حضرت آدم را از گل سرشت، از روح خود در آن دمید و او در بهشت ساکن کرد، اما آدم، تنها بود. او باید یار و یآوری در شأن و مقام خود می‌داشت. آنگاه خداوند از جنس او، حوا را آفرید تا با او آرامش یابد. در سفر پیدایش آمده است که خداوند فرمود تنها بودن آدم خوب نیست. بهتر است برای او یاری بسازم که با او باشد. پس خداوند تمام حیوانات صحرا و مرغان هوا را از خاک آفرید و به سوی آدم آورد تا ببیند که ایشان را چه خواهد نامید. پس هر چه که آدم نامید، اسم آنها همان شد. پس آدم به تمام بهایم و مرغان، هوا و تمام حیوانات صحرا نام نهاد، اما از برای آدم، یآوری که

همراهش باشد پیدا نبود، پس خداوند خوب و گرانی بر آدم مستولی گردانید که خفت. سپس یکی از استخوان های پهلویش را گرفت و گوشت را در جایش پر کرده و خداوند از استخوان پهلویی که از آدم گرفته بود، زنی ساخت و او را به آدم آورد و آدم گفت که حال این استخوانی از استخوان هایم و گوشتم است و امرأة نامیده می شود. (خین کارسن، بی تا) تلمود نیز ضمن تأیید آفرینش زن از دنده مرد، در بیان علت آن می گوید:

خداوند به این نکته توجه کرد که زن را از کدامین عضو آدم بیافریند. خداوند فرمود من زن را از سر آدم نمی آفرینم برای آنکه سبک سر نشود و سر خود را از روی غرور بالا نگیرد و نه از چشم، تا آنکه بسیار کنجکاو نباشد و نه از گوش تا آنکه استراق سمع نکند و سخن-چین نشود و نه از دهان، تا آنکه پرحرف و وراج به بار نیاید. نه از دل، تا آنکه حسود نشود. نه از دست، تا آنکه هرزه دست نشود و نه از پا، تا آنکه ولگرد نباشد. من زن را از قسمتی از بدن آدم که همواره پوشیده و نهفته است، می آفرینم تا آنکه موجودی محبوب و عقیف به بار آید. (راب کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۸۷)

۳-۱-۲. آفرینش زن در عهد جدید

در عهد جدید، مطلبی درباره خلقت حوا مطرح نشده و فقط آفرینش زن در عهد عتیق را تأیید می کند. فرق آیات عهد عتیق با عهد جدید در آن است که عهد جدید، به صورت مختصر بیان کرده که زن از مرد خلق شده و به چگونگی آن نپرداخته است. در عهد جدید، بر گفتار عهد قدیم بسنده شده و تنها در یک آیه به صورت خلاصه، آفرینش زن را پس از مرد بیان کرده است. «آدم، اول ساخته شد و بعد حوا». (کتاب مقدس، نامه اول پولس به تیموتاؤس، ۱۵/۲) و هم در کتاب دیگر: «ابتدا آدم خلق شد، سپس حوا. نخستین آدم فریفته نشد، بلکه زن وسوسه شد و خطا کرد». (کتاب مقدس، نامه اول به تیموتاؤس، ۱۳/۲-۱۴) در تمام مذاهب و ادیان الهی آمده است که زن و مرد از نفس واحد آفریده شده اند، ولی چگونگی تفسیر آن متفاوت است.

۳-۲. آفرینش زن در قرآن

۳-۲-۱. ماده خلقت انسان

در آیات قرآن، تعبیر مختلفی در مورد خلقت ابتدایی انسان وجود دارد. در جایی فرموده است: «... خلقه من تراب...؛ ... او را از خاک خلق کردیم...» (آل عمران: ۵۹). در جایی دیگر نیز فرموده است: «... من حَمًا مَسْنُونٍ... آدمی را که از گل گندیده خلق کردیم» (حجر: ۲۶) و در جایی دیگر آمده است: «... خلقتهم من صلصال...؛ ... از گل خشکیده او را آفریدیم...» (حجر: ۳۳). باید توجه کرد که تمام آیات، سخنی واحد را بیان نمی کنند. بنابراین، جای این پرسش هست

که آیا آیات خلقت انسان در قرآن، متناقض یکدیگرند؟ در جواب باید گفت که این آیات با یکدیگر متناقض نیستند، بلکه در مقام بیان سیر خلقت آمده‌اند. اصل آدم از خاک بوده و خداوند خاک را تبدیل به گل کرد. آنگاه آن گل را گذاشت تا متعفن شد و پس از آن، گل متعفن را گذاشت تا خشک شد. بعد روح برگزیده خود را در آن دمید و به او حیات داد. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۴۱) آیاتی که از ماده خلقت اولین انسان‌ها و خلقت نسل‌های بعد سخن گفته‌اند عبارتند از: مؤمنون: ۱۲-۱۳؛ سجده: ۷-۹؛ حجر: ۲۸-۳۳.

۲-۲-۳. خلقت زن در قرآن

در قرآن کریم از آفرینش حواسخی مطرح نشده است. تفاوتی که در نحوه بیان عهدین با قرآن وجود دارد، این است که عهدین، جریان را مفصل بیان کرده‌اند، اما قرآن، این جریان را به صورت مختصر بیان کرده است. در نگاه قرآن، زن در بعد روحی و جسمی از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده و هر دو در گوهر و ماهیت یکسان‌اند. بنابراین، زن و مرد از نفس واحد خلق شده‌اند. قرآن می‌فرماید: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها...؛ ای مردم، تقوا پیشه کنید از پروردگارتان، همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را نیز از جنس او خلق کرد...» (نسا: ۱). چنانکه در آیه ۱۸۹ سوره اعراف آمده است: «و جعل منها زوجها». در آیه ۶ سوره زمر، آیه ۷۲ سوره نحل، آیه ۱۱ سوره شوری و آیه ۲۱ سوره روم نیز از این موضوع سخن آمده است.

۴. مراد از نفس واحد

بیشتر مفسران بر این عقیده‌اند که در این آیات، منظور از نفس، آدم و منظور از زوج، حواست و بنابراین روایات، خداوند او را از یکی از دنده‌های آدم یا از مانده خاکی که آدم را از آن خلق کرده بود، آفرید. (قمی، ۱۳۶۳، ذیل سوره نسا) از دیدگاه برخی مفسران نیز منظور این آیات آن است که خداوند، جفت آدم را از جنس او آفرید. همان‌طور که در آیات دیگر، عبارت «من انفسکم» (توبه: ۱۲۸؛ نحل: ۷۲) به همین معناست. در واقع از دیدگاه آیات قرآن، زن به لحاظ ارزش انسانی، با مردان مساوی و یکسان است. برای همین، مرد در خلقت، هیچ برتری بر زن ندارد؛ زیرا حقیقت انسان را روح او تشکیل می‌دهد نه بدن او. قرآن، نه تنها بر یکسانی آفرینش میان زن و مرد در حقیقت انسانیت تأکید می‌کند، بلکه آن را یکی از نشانه‌ها و آیات الهی می‌داند و این همسانی را مایه سکونت، انس و الفت می‌شمارد. در واقع از نگاه قرآن، راز آفرینش زن و تأسیس نهاد خانواده

و پیوند زناشویی، چیزی فراتر از گرایش های غریزی و کامیابی های موقت است. در بیان مفسران و اندیشمندان قرآن پژوه، چند احتمال برای معنای این ترکیب ذکر شده است.

۱-۴. وحدت شخصی

بسیاری از مفسران، مراد از نفس واحده را وحدت شخصی می دانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ۷/۵) و تصریح می کنند که در این آیات، حضرت آدم ابوالبشر مقصود است. صاحب تفسیر نمونه آورده است: «آیا منظور از نفس واحده، یک فرد شخصی است یا یک واحده نوعی، یعنی جنس مذکر». شکی نیست که ظاهراین تعبیر، همان واحد شخصی را می رساند و اشاره به نخستین انسانی است که قرآن او را به نام آدم و پدر انسان های امروز معرفی کرده و تعبیر بنی آدم که در آیات فراوانی از قرآن وارد شده نیز به اشاره همین است و احتمال اینکه وحدت نوعی مورد نظر باشد، از ظاهر آیه بسیار دور است.

۲-۴. وحدت نوعی

گروه دوم، مراد از وحدت در نفس واحده را وحدت نوعی می دانند، به این معنا که نوع زن، همانند نوع آدم آفریده شده است. در این آیه، سخن از نوع انسان است نه فرد و شخص معینی که آدم ابوالبشر باشد. در تفسیر پرتوی از قرآن تصریح می شود که مراد از نفس، موجود زنده حیاتی است. حتی پیش از آنکه به صورت کامل انسانی درآید؛ زیرا وی معتقد است که کلمه نفس، به هر جانداري گفته می شود. (طالقانی، ۱۳۸۵، ۱۶/۶)

۵. واقعیت عینی شیء

علامه طباطبایی می فرماید:

منظور از نفس در آیات کریمه، گوهر و ذات و اصل و واقعیت عینی شیء است و مراد از آن، روح و روان و یا جان مرد نیست. وقتی گفته می شود جانی فلان نفس؛ یعنی خود شخص و ذات او آمد و معنای نفس مرادف با عین، یعنی اصل ذات خواهد بود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۱۳/۴)

بنابراین، مفاد این آیه به شرح زیر می شود:

- اول اینکه تمام انسان ها از هر صنف، از یک گوهر و ذات هستند و مبدأ آفرینش همه افراد یک

چیز است. گواه بر این مطلب، کلمه الناس در آغاز آیه است که اعم از زن و مرد است.

- دوم اینکه از آیه شریفه این مطلب استفاده می شود که اولین زن و همسر اولین مرد، هر دو

از یک ذات و گوهر عینی آفریده شده اند نه از گوهر دیگری و نه به عنوان فرع و طفیلی دیگری.

خدای متعال، اولین زن را از همان ذات مرد آفرید. (آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۴)

۶. معنای حرف من

شاید مهمترین بحث در آیات مربوط به خلقت حوا، بحث از معنای حرف جر من باشد. برای حرف من، در تعبیر «و خلق منها زوجها» یا «و جعل منها زوجها» چند معنا ذکر شده است:

- من، به معنای تبعیضیه، یعنی حوا از بعض جنس آدم خلق شده است.
- من، به معنای بیان جنس، یعنی همسر آدم از جنس آدم آفریده شده است. (نجفی، ۱۳۵۸، ۱۲۶/۳)

- من، به معنای نشویه، یعنی همسر آدم از همان جنس آدم است و انسانی است مثل خود او و این همه افراد آدم، از دو فرد انسان مثل هم و شبیه به هم نشأت گرفته اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۴۰/۴)
- من، به معنای ابتدای غایت؛ یعنی پیدایش و نقطه آغازین خلقت حوا یا زن از آدم یا جنس مرد بوده است. چنانکه سرمنشأ و ابتدای پیدایش نسل آدم نیز از خود آدم بوده است. (نجفی، ۱۳۵۸، ۱۲۴/۳)

- من، به معنای لاجله، یعنی خدا، حوا یا زن را به خاطر مرد و آدم آفرید تا در خدمت او باشد و با او به آرامش و سکون برسد.

پس از بیان معانی نفس واحده و معانی من، سؤال اصلی این است که نظر قرآن در مورد خلقت زن چیست؟ آیا به نظر کتاب مقدس تأکید کرده؟

در اینجا مفسرین قرآن به سه گروه تقسیم شده اند؛ (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۴۹-۵۸) گروه اول معتقدند که قرآن در مورد خلقت زن، به صراحت سخن نگفته است. بهتر است که در این مورد سکوت کرده و از روی حدس و گمان سخنی گفته نشود و صحبت در مورد آن، به صاحبان علم واگذار شود (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۵۰). گروه دوم، آموزه های کتاب مقدس را تأیید کرده و گفته اند که حوا از بیکره آدم آفریده شده است. این گروه، بیشتر از دانشمندان اهل سنت هستند. آنها معتقدند که حوا، از دنده آدم خلق شده است. این گروه از مفسران، حرف من جار را، بعضیه یا بیان جنس گرفته اند (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۵۱) و گروه سوم، معتقدند که اولین زن و مرد، هر دو از یک ذات و گوهر عینی آفریده شده اند نه از گوهر دیگری و نه به عنوان فرع و طفیلی دیگری، بلکه خداوند اولین زن را از همان ذات آفرید (آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۴). بنابراین، نظر سوم درست است؛ زیرا مطابق با قرآن و روایت است.

۷. فلسفه آفرینش زن

۱-۷. فلسفه آفرینش زن در عهدین

در تفسیر آیات خلقت در عهدین، فلسفه خلقت زن از دنده آدم، به این صورت آمده است:

زن از دنده مرد آفرید شد، نه از سراو، تا براو سروری کند. نه از پاهایش تا به وسیله او لگدمال شود، بلکه از پهلویش تا با او مساوی باشد. از زیر بازویش تا توسط او مخالفت شود و نزدیک قلبش تا مورد محبت او قرار بگیرد. (خین کارسن، بی تا، ص ۱۵)

۲-۷. فلسفه آفرینش زن در قرآن

نخستین فلسفه آفرینش زن، همان توجیه در فلسفه آفرینش انسان است؛ زیرا مصداق انسان، شامل مرد و زن است. بنابراین، هدف آفرینش انسان، بندگی خداوند متعال است. مانند عبودیت، رسیدگی به کمال مطلوب و مقام خلیفه الله. برای اینکه دستگاه آفرینش، به هدف مورد نظر آفریننده اش برسد، به همکاری و تعاون جنس مذکر و مؤنث نیازمند است. بنابراین، خداوند موجودات را به صورت مذکر و مؤنث آفرید تا با تولید مثل، نسل انسان از بین نرود و به کمال مطلوب برسد. بنابراین، زن، مکمل آفرینش است، یعنی زن و مرد مکمل یکدیگر هستند و مایه شکوفایی یکدیگر و هر یک بدون دیگری ناقص است. از این رو، فلسفه های آفرینش زن و مرد، سکونت و آرامش آنهاست. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹) درباره علت اولیه و شاید علت غایی خلقت زن، در تورات و قرآن احکام مشابهی وجود دارد. در قرآن با توجه به آیه ۲۱ سوره روم ناگفته پیداست که این آرامش و بیرون آمدن از تنهایی، دوسویه است؛ زیرا به همان اندازه که زن موجب آرامش مرد می شود، مرد نیز چنین نقشی برای زن دارد. این آیه، نیاز هر یک از دو جنس دیگری و همچنین تکمیل یکدیگر را بیان می کند. این آرامش و سکون دوسویه است، همانگونه که مودت و رحمت میان آنها مشترک است. دو سویه بودن این مودت و رحمت از واژه ازواجاً دریافت می شود؛ زیرا واژه زوج که جمع آن ازدواج است، به معنای همسر بوده و به هر یک از زن و مرد گفته می شود.

قرآن کریم، اصل سخن خلقت زن از مرد را تأیید نمی کند، پس بحثی هم در مورد فلسفه خلقت زن از دنده مرد از دیدگاه قرآن مطرح نمی شود. از طرفی، برخی تفاسیر که نظریه عهدین را تأیید کرده اند، فلسفه ای از برخی روایات فاسدالسنند ذکر کرده اند که طبق سخنان گذشته، همان اسرائیلیاتی هستند که وارد حوزه اسلام شده اند.

۸. تفاوت دیدگاه قرآن و عهدین

در بررسی تفاوت دیدگاه قرآن و عهدین در آفرینش زن، دو نکته بسیار مهم وجود دارد. نخستین و مهمترین تفاوت، در اصل خلقت حواست؛ زیرا در تورات آمده است که خداوند حوا را از دنده چپ آفرید، اما در قرآن مطلبی که آشکار این نکته را بیان کند، وجود ندارد. در سوره نساء آیه ۱ آمده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً... .

ای مردم بترسید از پروردگارتان. آنکه شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن، همسرا و را و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد... .

دومین مطلب مهم آن است که قرآن کریم، آدم و حوا را به طور یکسان در سریچی از حکم الهی مقصر می داند و ارتکاب گناه را تنها به گردن حوا نمی اندازد؛ برای همین است که هر دو را از نزدیک شدن به درخت ممنوعه نهی می کند. در تمام آیات مربوط به این موضوع، صیغه مثنی به کار رفته که بر نافرمانی هر دو از حکم الهی اشاره دارد. آیه ۳۵ سوره بقره، نشان دهنده این یکسانی است: «... و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين...» اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود» (بقره: ۳۵). در این مورد همچنین می توان به آیات زیر اشاره کرد:

- «فوسوس لهما الشيطان...؛ سپس شيطان آن دو را وسوسه کرد...» (اعراف: ۲۰)

- «... ألم أنهكما عن تلكما الشجرة...؛ ... پروردگارشان آنها را ندا داد آیا شما را از آن درخت

نهی نکردم...» (اعراف: ۲۲)

- «فألزهما الشيطان...؛ شيطان موجب لغزش آنها از بهشت شد...» (بقره: ۳۶)

- «... وأقل لكما إن الشيطان لكما عدو مبين؛ ... و آیا نگفتم که شيطان برای شما دشمن

آشکاری است...» (اعراف: ۲۲)

- «... فأخرجهما مما كانا فيه...؛ ... و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد...» (بقره: ۳۶)

- «قالا ربنا ظلمنا انفسنا وإن لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين؛ گفتند پروردگارا! ما به

خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود...» (اعراف: ۲۳)

بنابراین، در قرآن هیچ اشاره ای به نقش حوا در نخستین گناه آدم نشده است. بر اساس متون عهد عتیق، مار، حوا را و او نیز آدم را فریب داد. در حالی که به فرموده قرآن، شيطان، هر دو را و آنان را وسوسه کرد. در آیه ۱۲۰ سوره طه، تنها از گفت و گوی شيطان با آدم و وسوسه او سخن

آمده و شیطان به طور مستقیم به او خطاب کرده است، اما در این آیه، به حوا و خطاب شیطان به او اشاره‌ای نشده است. بنابراین، در حالی که در سنت یهودی - مسیحی، حوا شخصیتی فریب خورده و گمراه‌کننده معرفی شده است، از دیدگاه قرآن، آدم و حوا هر دو به یک اندازه مسئول بوده و به عنوان نخستین زوج بشری به اخراج از بهشت محکوم می‌شوند.

۹. جایگاه زن

۹-۱. جایگاه زن در عهدین

تصویر حوا در روایات یهودی، مانند یک وسوسه‌گر ترسیم شده است. همچنین از دیدگاه این روایات، تمام زنان از مادرشان، یعنی حوا، گناه و حيله را به ارث برده و در نتیجه، همه آنها به لحاظ اخلاقی پست و گناهکار هستند. علمای یهود برای مردان، وظیفه می‌دانند که برای حفظ و گسترش نژاد خود، منشأ زاد و ولد باشند و رجحان خود را برای فرزندان مذکر پنهان نمی‌کنند. به باور آنان، برای کسانی که فرزندشان مذکر است، خوشی و برای آنها که فرزندشان مؤنث است، ناخوشی در پی خواهد بود. هنگامی که پسری پا به جهان می‌گذارد، با خود صلح می‌آورد، اما هنگامی که دختری متولد می‌شود، هیچ به همراه ندارد. بر اساس احکام تلمود، زنان از مطالعه تورات معاف‌اند. برخی از علمای یهود به شدت پیرو این عقیده‌اند که بهتر است کلمات تورات در آتش بسوزد تا اینکه زنان از آن بهره‌مند شوند.

جایگاه زن در مسیحیت نیز بسیار مشابه یهودیت است با این تفاوت که اعتقاد به گناه آدم و حوا، نقش اساسی در ایمان مسیحیان دارد؛ زیرا به باور آنان، علت مأموریت عیسی مسیح صلی الله علیه و آله بر روی زمین، نافرمانی و سرپیچی، آدم را اغوا کرد که در خواستش را اجابت کند. بنابراین، خداوند هر دوی آنان را از آسمان به زمین هبوط داد، سپس آنها گناهانشان را که از سوی خداوند بخشیده نشده بود به نسل‌های پس از خود واگذار کردند و به همین دلیل تمام انسان‌ها با گناه متولد می‌شوند. به همین دلیل خداوند ناگزیر شد تا برای پاک کردن انسان از گناه نخستین، عیسی مسیح صلی الله علیه و آله را که به منزله پسر او بود، با صلیب قربانی کند.

پولس در یکی از نامه‌های خود می‌گوید:

و باید که زن به آرامی و با کمال، اطاعت گیرد و زن را به تعلیم دادن اجابت نمی‌دهیم تا آنکه زیر دست مرد باشد، بلکه سکوت اختیار کند. آدم خلق شد و حوا. آدم فریفته نشد، بلکه زن فریفته شد و از حد تجاوز کرد. (کتاب مقدس، نامه اول پولس به تیموتیوس، ۲/۱۴)

همچنین آیات زیر نشان دهنده شخصیت فرودست زن در مسیحیت است. پولس می‌گوید: «اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد. زنان از مسیح محروم‌اند.» (کتاب مقدس، عهد جدید، رساله پولس، ۱۱/۳) از دیدگاه مسیحیان، زن تنها برای مرد آفریده شده است. پولس در این باره می‌گوید: «و نیز مرد به جهت زن آفریده نشد، بلکه زن برای مرد.» (کتاب مقدس، عهد جدید، ۱۱/۹)

۹-۲. جایگاه زن در قرآن

قرآن، آشکارا در آیات متعدد بیان کرده است که ما شما را از نفس واحد خلق کردیم. دیدگاه قرآن نسبت به زنان و مردان، تفاوت با یکدیگر ندارد. آنها هر دو آفریده خداوند هستند. در قرآن کریم، چند دسته آیه وجود دارد که از آنها، در مورد اشتراک زن و مرد در جایگاه انسانی استفاده می‌شود. دسته اول آیه‌های مربوط به راه‌یابی به سعادت و اشتراک زن و مرد در راه‌های وصول به آن است. نگرش قرآنی، زن را مانند مرد، انسان می‌داند که سه ویژگی مهم انسانی، یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقا و کمال را دارد و همانند مردان، امکان رشد و کامیابی دارد. (احزاب: ۳۵؛ توبه: ۷۲)

قرآن کریم می‌فرماید:

آن روز که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیش و به جانب راستشان روان است. به آنان می‌گویند امروز شما را مژده باد به باغ‌هایی که از زیر درختان آنها نرها روان است. در آنها جاودانید. این است همان کامیابی بزرگ. (حدید: ۱۲)

آیه‌هایی از قرآن به اشتراک زن و مرد در تکلیف و مسئولیت‌پذیری در قبال اعمال اشاره دارد مانند آیه ۱۹۵ سوره اعراف. آیاتی نیز به یکسانی ثواب و عقاب در اعمال مشابه اشاره می‌کند مانند آیه ۱۹۵ سوره آل عمران.

دسته دوم، آیه‌های مربوط به نفس در قرآن کریم است که کلمه نفس نیز در آنها آمده است. در برخی از این آیه‌ها تصریح می‌شود که زن و مرد، از نفس واحد آفریده شده‌اند. در مواردی، منظور از نفس واحد، حضرت آدم است و آیه بیان می‌کند که همسرا و نیز از همان نفس آفریده شده است. برای نمونه در سوره نساء آیه ۱ آمده است:

یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیراً و نساء... .

ای مردم، پروردگاری را بپرستید که شما را از حقیقتی یگانه آفریده و از همان، همسرا و نیز آفرید و از آن دو، مردان و زنان بی‌شماری را در زمین پراکند...

در مواردی نیز مراد، آدمیان هستند. مانند آیه ۲۱ سوره روم «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً...؛ و از نشانه‌های پروردگار این است که برای شما از جنس خودتان همسران را آفرید...». از این آیه، برابری زن و مرد در گوهر انسانی برداشت می‌شود، یعنی نفس آدمی هر آنچه باشد، میان او و همسرش واحد است.

دسته سوم، آیه‌های آفرینش و سیرپیدایش انسان است. در این آیه‌ها به آفرینش یک اصل، یعنی روح و یک فرع، یعنی بدن اشاره شده است. این آیه‌ها آفرینش مذکر بودن و مؤنث بودن را در سیرپیدایش بدن قرار داده‌اند. از آن جمله آیه: «ألم یک نطفة من منی یمنی ثم کان علقة فخلق فسوی فجعل منه الزوجین الذکر و الأنثی؛ آیا آدمی نطفه‌ای از آب ریخته شده نبود که سپس علقه شد. پس خداوند او را آفرید و استوا بخشید و از همان نطفه، دو زوج مرد و زن ایجاد کرد» است.

این آیه، مذکر و مؤنث شدن را به منی یمنی، یعنی به بخش جسمانی باز می‌گرداند. پس به این دلیل است که آیه‌ها به آفرینش یا انشاء روح یا تعلق آن به بدن اشاره دارند. (آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱) بنابراین، اگر اصل انسانیت به حقیقت روحانی باشد، زن و مرد هر دو، از آن برخوردارند و هر دو، انسان به شمار می‌آیند. علامه طباطبایی، آیه‌هایی با مضمون «بعضکم من بعض» (آل عمران: ۱۹۵) را نیز شاهدهی دیگر بر یگانگی گوهر انسانی مرد و زن می‌داند و می‌فرماید:

خداوند هر انسانی را از دو انسان دیگر، یعنی مذکر و مؤنث ایجاد کرده است. هر یک از مرد و زن با یکدیگر و بر یک نسبت در ایجاد ماده و وجود فرزند خود دخیل هستند. ایشان دخالت و منشاء بودن مرد و زن در پیدایش یک انسان را دلیلی بر یکسانی مرد و زن در ارزش‌گذاری‌های اخلاقی و دستگاه ثواب و عقاب می‌دانند. به عبارت روشن‌تر، آیه‌های مزبور، یگانگی در انسانیت را محور ترتب آثار و نتایج ویژه آدمی دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲/۲۶۹)

بنابر آیات قرآن، آدم و همسرش، به خواسته خدا در بهشت ساکن شدند. لازم به ذکر است که در اسلام، هیچ یک از زنان و مردان قبایل، طوائف و نژادها بردیگری برتری ندارند، مگر به پرهیزکاری و تقوای الهی. خداوند در قرآن می‌فرماید: «... إن امرکم عند الله اتقاکم...؛ ... در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست...» (حجرات: ۱۳).

۱۰. نتیجه‌گیری

هدف از آفرینش انسان، بندگی خداوند متعال است و تنها راه رسیدن به آن، مسیر مستقیم بندگی است و غایت آن، رسیدن به رحمت الهی است. هر چه انسان در راه بندگی و تقرب به

خدای سبحان قدم بر می‌دارد، استعداد بیشتری برای کسب رحمت و فیض الهی پیدا می‌کند. افاضه فیض و عنایت رحمت، مقتضای صفات کمالی ذاتی الهی است و علت و راز هستی، به خود خدای متعال بر می‌گردد. کتاب مقدس، به طور صریح، به این موضوع که زن، از قسمتی از بدن مرد آفریده شده، اشاره کرده است و خلقتی طفیلی و طبعی برای او در نظر گرفته، اما قرآن در این مسئله به وضوح سخنی نگفته، بلکه به صورت کلی و سرپسته به خلقت زن اشاره کرده است. انسان‌ها از نظر حقیقت و جنس، یکی هستند. همگی یک حقیقت دارند که همان انسانیت است. بنابراین، خلقت زن از جنس مرد بوده و خلقت زن، از بدن مرد نیست، ولی از نفس واحده است، یعنی نفس آدمی هر آنچه باشد، میان او و همسرش واحد است. فلسفه‌های آفرینش زن و مرد بر اساس آیات قرآن و کتاب مقدس، سکونت و آرامش آنهاست، ولی قرآن، در بیان این مسئله بسیار کامل و روشن است. خلقت زن و مرد در قرآن تفاوت ندارد. بنابراین، آدم و حوا را به طور یکسان در سرپیچی از حکم الهی مقصر می‌داند و ارتکاب گناه را تنها به گردن حوا نمی‌اندازد. به همین دلیل است که هر دو را از نزدیک شدن به درخت ممنوعه نهی می‌کند.

منابع

* قرآن الکریم

۱. کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)
۲. راب کهن، ابراهیم (۱۳۸۲). گنجینه‌ای از تلمود. تهران: انتشارات اساطیر.
۳. جواد املی (۱۳۸۷). زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء.
۴. خین کارسن (بی‌تا). شرح سفر یسایا. بی‌جا.
۵. الراغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۴۱۶). المفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیه.
۶. طالقانی، سید محمد (۱۳۸۵). بزتوی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. عبد الکریم عقیلی، فاطمه (۱۳۹۴). درسنامه مطالعات تطبیقی زن در قرآن و عهدین. قم: انتشارات نصایح.
۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۹). زن از زبان قرآن. قم: نشر جمال.
۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر قمی. قم: دار الکتب.
۱۰. مجلسی (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. مظاهری، حبیب (۱۳۹۰). شخصیت زن در قرآن و عهدین. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۱۴. نجفی، محمد جواد (۱۳۵۸). تفسیر آسان. تهران: انتشارات کتاب فروشی اسلامی.
۱۵. هاکس، جیمز (بی‌تا). قاموس کتاب مقدس. تهران: انتشارات اساطیر.

